

درس خارج فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۶ اسفند ۱۳۹۶

مصادف با: ۹ جمادی الثانی ۱۴۳۹

جلسه: ۶۱

موضوع کلی: فصل فی أفعال الوضوء

موضوع جزئی: الرابع: مسح الرجلین - کفایت مسمای مسح پا

سال تحصیلی: ۹۷-۹۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

عرض شد که به نظر مرحوم سید (ره) و مشهور فقها، مسمای مسح [پا] از نظر عرض، کفایت می‌کند، هر چند به مقدار عرض یک انگشت باشد یا کمتر از عرض یک انگشت باشد و بهتر این است که مسح [پا] از نظر عرض به مقدار عرض سه انگشت باشد و بهتر از آن، مسح تمام پشت پاست.

ادله قول مشهور

اول: آیه مربوط

آیه شریفه «...وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»^۱، بر این دلالت دارد که صرف وجود مسح کفایت می‌کند و صرف الوجود با مسمای مسح نیز محقق می‌شود. بنابراین، آیه مذکور، به اطلاقش بر این دلالت دارد که مسمای مسح پا از نظر عرض، کفایت می‌کند.

دوم: روایات مربوط

روایاتی بر نظر مشهور دلالت دارند که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: عَنْ زُرَّارَةَ وَبُكَيْرِ ابْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ أَنَّهُ قَالَ فِي الْمَسْحِ: «تَمْسَحُ عَلَى النَّعْلَيْنِ وَلَا تُدْخِلُ يَدَكَ تَحْتَ الشَّرَاقِ وَ إِذَا مَسَحْتَ بِشَيْءٍ مِنْ رَأْسِكَ أَوْ بِشَيْءٍ مِنْ قَدَمَيْكَ مَا بَيْنَ كَعْبَيْكَ إِلَى أَطْرَافِ الْأَصَابِعِ فَقَدْ أَجَزَّاكَ»^۲.

روایت مذکور، در کفایت مسمای مسح پا از نظر عرض، ظهور دارد.

روایت دوم: عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَمِّهِ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى (ع)؛ قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ يَكُونُ خُفُّ الرَّجُلِ مُخْرَقًا فَيُدْخِلُ يَدَهُ فَيَمْسَحُ ظَهْرَ قَدَمِهِ [قدمیه] أَوْ يُجْزِيهِ ذَلِكَ؟ قَالَ: «نَعَمْ»^۳.

راوی از امام (ع) سؤال کرده است که شخص دستش را در کفش پاره داخل می‌کند و پشت پایش را مسح می‌کند، آیا این مقدار کافی است؟ آن حضرت (ع) فرمود: «بله».

روایت مذکور نیز در مدعا [کفایت مسمای مسح] ظهور دارد. بنابراین، استیعاب در مسح لازم نیست.

دلالت روایت مذکور، بر مدعا تمام است، لکن سند این روایت مشکل دارد و ضعیف است چون جعفر بن سلیمان که در سند روایت مذکور، آمده است، مجهول الحال است و توثیق نشده است، لکن روایت مذکور، نسخه دیگری دارد که آن نسخه از روایت مذکور، حالش بدتر است چون در روایت مذکور، عبارت «عن جعفر بن سلیمان عَمِّهِ»، آمده است، یعنی جعفر بن سلیمان عموی قاسم

۱. «المائدة»: ۶.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۲۳، ص ۴۱۴، ح ۴.

۳. همان، ح ۲.

بن محمد است، ولی در نسخه دیگر این روایت، به جای «عمه»، «عن عمه» آمده است، یعنی قاسم بن محمد از جعفر بن سلیمان نقل کرده است و جعفر بن سلیمان نیز از عمویش نقل کرده است که طبق این نسخه، هم خود جعفر بن سلیمان مجهول است و هم عمویش که جعفر بن سلیمان از او نقل کرده است، مجهول است. بنابراین، اگر «عمه» باشد، فقط خود جعفر بن سلیمان مجهول الحال است و اگر «عن عمه» باشد، دو مشکل پیدا می‌شود و آن، اینکه هم جعفر بن سلیمان مجهول الحال است و هم عمویش که از او نقل کرده است، مجهول الحال است.

بنابراین، روایت مذکور، از نظر دلالت تمام است، ولی سندش ضعیف است، مگر اینکه گفته شود که عمل مشهور ضعف سندی این روایت را جبران می‌کند.

روایت سوم: عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (ع): أَلَا تُخْبِرُنِي مِنْ أَيْنَ عَلِمْتَ وَقُلْتَ: «أَنَّ الْمَسْحَ بِبَعْضِ الرَّأْسِ وَبَعْضِ الرَّجُلَيْنِ؟» فَضَحِكَ؛ فَقَالَ: «يَا زُرَّارَةُ قَالَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَنَزَلَ بِهِ الْكِتَابُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ: "فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ"، فَعَرَفْنَا أَنَّ الْوَجْهَ كُلَّهُ يَنْبَغِي أَنْ يُغْسَلَ، ثُمَّ قَالَ: "وَأَيِّدِيكُمْ إِلَى الْمِرْفَاقِ"، فَوَصَلَ الْيَدَيْنِ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ بِالْوَجْهِ فَعَرَفْنَا أَنَّهُ يَنْبَغِي لَهُمَا أَنْ يُغْسَلَا إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ، ثُمَّ فَصَلَ بَيْنَ الْكَلَامِ فَقَالَ: "وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ"، فَعَرَفْنَا حِينَ قَالَ: «بِرُءُوسِكُمْ»، أَنَّ الْمَسْحَ بِبَعْضِ الرَّأْسِ لِمَكَانِ الْبَاءِ، ثُمَّ وَصَلَ الرَّجُلَيْنِ بِالرَّأْسِ كَمَا وَصَلَ الْيَدَيْنِ بِالْوَجْهِ، فَقَالَ: "وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ"، فَعَرَفْنَا حِينَ وَصَلَهُمَا بِالرَّأْسِ أَنَّ الْمَسْحَ عَلَى بَعْضِهِمَا، ثُمَّ فَسَّرَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِلنَّاسِ فَضَيَّعُوهُ»^۱.

راوی در روایت صحیح مذکور، به امام باقر (ع) عرض کرده است که به من خبر بده که از کجا دانستی و گفتمی که مسح به بعضی سر و بعضی پاها است؟ آن حضرت (ع) فرمود که این را پیامبر (ص) فرموده است و کتاب نیز طبق همین مطلب نازل شده است... روایت مذکور، در کفایت مسمای مسح صراحت دارد [فعرنا حين وصلهما بالرأس ان المسح على بعضهما].

روایات مخالف قول مشهور

روایاتی وارد شده‌اند که ظاهرشان با قول مشهور منافات دارد:

روایت اول: عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامٍ؛ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): عَثَرْتُ فَأَنْقَطَعَ ظَفْرِي؛ فَجَعَلْتُ عَلَى إصْبَعِي مَرَّارَةً؛ فَكَيْفَ أَصْنَعُ بِالْوُضُوءِ؟ قَالَ: «يُعْرَفُ هَذَا وَأَشْبَاهُهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: "مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ"؛ أَمْسَحْ عَلَيْهِ»^۲.
راوی به امام صادق (ع) گفته است که پایم لغزید و ناخنم جدا شد؛ پس انگشتم را پانسمان کردم... .

«عَثَرْتُ» به معنای لغزش است.

استدلال به روایت مذکور، دو تقریب دارد:

تقریب اول، این است که قول سائل مربوط به موردی است که پانسمان روی یکی از انگشتان بوده است و سائل بعد از فرض این ماجرا، سؤال کرده است که چگونه وضو بگیرم؟ که معنای آن، این است که سائل تحیر دارد و نمی‌داند که چگونه مسح کند و امام (ع) در پاسخ چنین شخصی که متحیر است که تکلیفش چگونه است، فرموده است که بر روی آن پانسمان مسح کن. اگر مسمای مسح کفایت می‌کرد، لازم نبود که امام (ع) بفرماید که بر پانسمان مسح کن، بلکه می‌فرمود که بر بقیه انگشتان که پانسمان ندارند،

۱. همان، ص ۴۱۳، ح ۱.

۲. همان، باب ۳۹، ص ۴۶۴، ح ۵.

مسح کند لذا از اینکه امام (ع) فرموده است که بر پانسمان مسح کن، فهمیده می‌شود که استیعاب [مسح بر همه انگشتان و روی پا] لازم است و مسمای مسح کفایت نمی‌کند.

بنابراین، تحیر سائل با فرض اینکه یکی از انگشتان او پانسمان شده است و همچنین، پاسخ امام (ع) به سائل و تمسک ایشان به نفی حرج در دین، قرینه بر این می‌باشند که مسح همه انگشتان لازم است و استیعاب، امری ارتکازی نزد سائل بوده است و به خاطر همین بوده است که وقتی یکی از انگشتان او دچار مشکل شده است و پانسمان شده است، متحیر شده است و از امام (ع) سؤال کرده است چون اگر مسح بر همه انگشتان نزد سائل، امری ارتکازی نبود، نیاز به سؤال نبود، بلکه بر بقیه انگشتان مسح می‌کرد.

تقریب دوم، برای دلالت بر استیعاب، این است که اگر استیعاب مسح [شمول مسح نسبت به روی پا از حیث عرض]، امری واجب نبود، امر به مسح بر پانسمان لازم نبود و لازم نبود که امام (ع) به آیه نفی حرج تمسک کند و بگوید که بر روی پانسمان مسح کن، بلکه می‌فرمود که بر بقیه انگشتان مسح کن.

بحث جلسه آینده: بقیه روایات دال بر استیعاب، ان شاء الله، در جلسه آینده، ذکر و بررسی خواهند شد.

«الحمد لله رب العالمین»